

صنعت و اثر آن بر کشاورزی در استان تهران*

صدیقه عامل هاشمی

مقدمه

امروزه در راستای نیل به خودکفایی در تمام زمینه‌های ممکن، ایجاد فرصت‌های شغلی برای جمعیت فزاینده کشور بویژه جوانان دهسال و بالاتر که به طور نسبی بیشترین ترکیب جمعیتی را تشکیل می‌دهند، افزایش تولید، درآمد سرانه، حفظ محیط زیست و منابع ملی، بهداشت و امنیت غذایی و ... به یک برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه نیازمند است. دانش پیشرفته امروز ابزاری دستیافتنی برای برنامه‌ریزان شمرده می‌شود. اکنون کلان‌نگری حتی برای کوچکترین تصمیمها ضروری است، چون تمامی مسائل کوچک و بزرگ مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند. کنار گذاشتن یک حلقه کوچک سبب گسستن تمامی زنجیره خواهد شد.

استراتژی توسعه صنعتی باید با توجه به وضع موجود، آمایش سرزمین، همچنین تکنیک و تکنولوژی مورد نیاز جامعه طراحی شود. هماهنگی در توسعه هر یک از بخشهای سه گانه کشاورزی، صنعت و خدمات ضروری است. آهنگ رشد و روابط متقابل بخشهای تابعه هر یک،

* اطلاعات این مقاله شامل استان تهران و قم است.

در سطوح مختلف فضایی (محلی، استانی، ملی و بین‌المللی) باید مشخص گردد. به عنوان مثال جذب نیروی کار و تأمین اشتغال در جامعه می‌تواند در بخشهای مختلف اقتصادی صورت گیرد. از همه مهمتر استراتژی توسعه باید در برگزیده هدفهای جامعه باشد هدفهایی چون فرهنگی و آموزشی، سیاسی و نظامی، اقتصادی و اجتماعی. تاکنون در عمل توسعه اقتصادی بخش صنعت به دلیل نداشتن تلفیق لازم میان توسعه بخش و فضا، به تشدید بی‌تعادلی بین استانهای کشور انجامیده و توسعه فضایی کشور و استان قربانی رشد این یا آن بخش شده است (۳).

بهتر است پیرسیم: با افزایش جمعیت برای نیروی فعال جامعه چه مقدار فرصت شغلی ایجاد شده و چه میزان به مسئله مهاجرتها، محیط زیست، حفظ منابع و توسعه بهینه توجه داشته‌ایم؟ رشد قطبهای بزرگ صنعتی مانند تهران، اصفهان و در آینده نزدیک تبریز و مشهد حاکی از توزیع بیرویه جمعیت و رشد یک جانبه فعالیتهای اقتصادی و وابستگی آن به خارج بوده است. رشد سرطانی شهر تهران از سالها پیش از پیروزی انقلاب پدیدار شد و با وجود تدبیرهایی مانند ممنوعیت احداث واحدهای صنعتی تا ۱۲۰ کیلومتری (در سال ۱۳۴۶)، شهر تهران از مرزهای واقعی محدوده طراحی شده ۲۰ ساله، فراتر رفته و فاصله‌اش با مراکز پیرامونی مناطق مانند کرج، ورامین، قرچک، اسلام‌شهر نه تنها به صفر رسیده بلکه محدوده وسیعتری را نیز در بر گرفته است (۱)، جمعیت آن از ۴۵۳۹۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۲۲۳۰۹۳۵ نفر در پایان سال ۱۳۷۳ رسیده است. از این تعداد جمعیت شهری ۱۰۱۲۱۲۱۹ نفر و جمعیت روستایی ۱۹۰۲۷۱۶ نفر است. طبق سرشماری عمومی جمعیت در سال ۱۳۷۵ جمعیت استان تهران برابر ۱۱۱۷۶۲۳۹ نفر و جمعیت استان قم ۸۵۳۰۴۴ نفر بوده است (۶).

گفتنی است که مصوبه مورخ ۱۱/۱۰/۷۴ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نحوه استقرار صنایع در حریم شهر تهران به وزارتخانه‌های جهادسازندگی و صنایع اجازه داده است آن دسته از صنایع تبدیلی را که مواد اولیه آنها در داخل حریم شهر تهران تولید می‌شود جهت طرح در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پیشنهاد کند تا پس از بررسی، از ممنوعیت ۱۲۰ کیلومتری مستثنا شوند (۴).

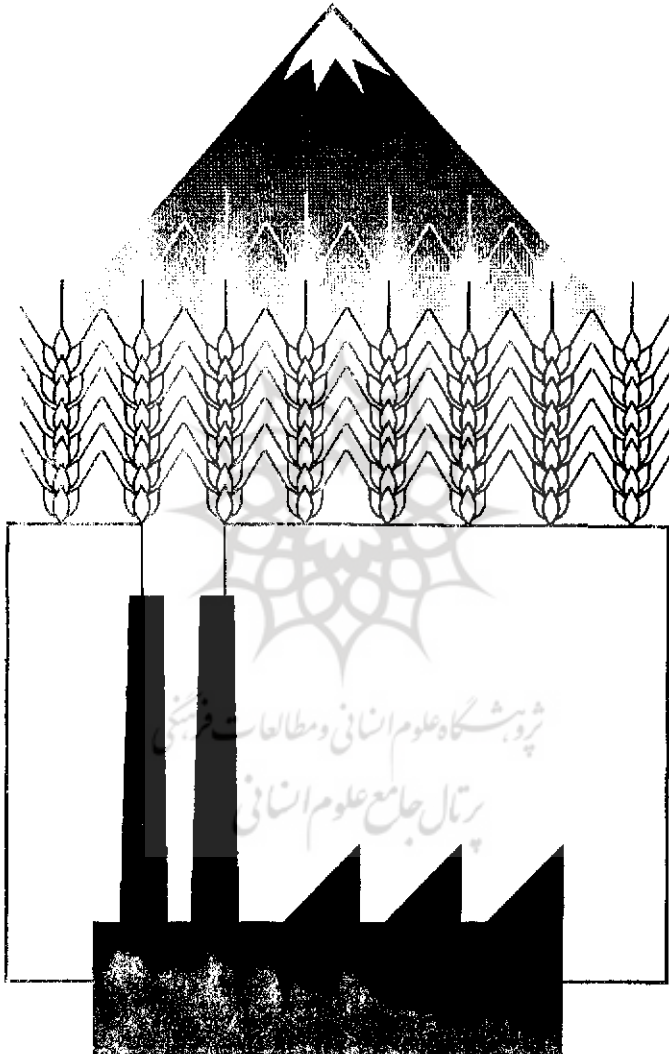
تاریخ ایجاد و رشد صنعت در تهران (۱)

تهران از اولین سالهای تمرکز قدرت (۱۳۰۴)، به عنوان یک مرکز سیاسی و محل امن، طرف توجه سرمایه‌گذارها و فعالیتهای دراز مدت شد. بوروکراسی گسترده و ارتش منظم دولت، تهران را به مرکز حکومتی با جمعیت فزاینده (بیش از رشد طبیعی) تبدیل کرد. تهران در سال ۱۱۶۶ خورشیدی که به عنوان پایتخت انتخاب شد فقط ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت داشت و مساحت آن تا ۱۰۰ سال بعد نیز ۳۰ کیلومتر مربع بود. ولی در سال ۱۳۱۶ جمعیت آن به ۵۰۰۰۰۰ نفر بالغ شد.

تاریخچه رشد صنعتی در ایران با سابقه آن در تهران آمیخته است. چند بخش عمده صنایع در قرن بیستم ابتدا در این شهر تشکیل شد. البته تبریز و اصفهان و یزد را نیز نباید نادیده گرفت. اما رشد صنعتی در تهران در بردارنده اصلیت‌ترین بخش رشد صنعتی کشور بوده است. پیش از قرن ۱۴ خورشیدی سهم نسبی شهرهای دیگر بویژه تبریز بیشتر بوده است.

در دوران آغاز حکومت پهلوی تا شهریور ۱۳۲۰ بیش از یک چهارم کارخانه‌ها در تهران یا نزدیک آن قرار داشت. در این دوران همچنین صنایع نظامی کشور رشد یافت که به طور عمده در حومه شهر تهران استقرار یافت.

توسعه صنعتی ایران در دو دهه ۴۰ و ۵۰ گرایش به تمرکز و بی‌تعادلی‌های بخشی و منطقه‌ای و گسیختگی ناشی از آن داشت. صنایع بزرگ در مناطق شهری بزرگ و بیشتر در تهران مستقر بود. در این دوران به علت گسترش بیرویه شهر تهران و لزوم جلوگیری از فعالیتهای صنعتی در این شهر سازمان برنامه و بودجه برای نخستین بار در مردادماه ۱۳۴۳ اساسنامه مربوط به احداث نواحی صنعتی را به تصویب هیئت وزیران رسانید و به منظور جلوگیری از تراکم واحدهای صنعتی و جذب نیروی کار به تهران در اسفند ماه ۱۳۴۵ تبصره ۵ ماده ۹۹ قانون مالیات به شرح زیر تصویب شد.



صنعت و اثر آن بر ...

«کارخانه‌های واقع در محدوده آبریز تهران که تعداد کارکنان آنها کمتر از ۱۰۰ نفر نباشد در صورتی که تأسیسات خود را در جمع به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران انتقال دهند بر اساس ضوابطی که از طرف وزارت دارایی برقرار می‌شود، از ۱۰ - ۱۵ سال از تاریخ بهره‌برداری از پرداخت مالیات بر درآمد ناشی از فعالیت صنعتی مربوط معاف خواهند شد.» ولی متأسفانه با توجه به یک سلسله دلایل عینی و ذهنی هیچ سرمایه‌گذاری با رغبت حاضر به انتقال واحد صنعتی خود نشد.

وضعیت صنایع تهران در برنامه پنجساله توسعه (۱)

در سالهای برنامه پنجساله اول (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) سیاست آزادسازی و مجوزهای متعددی که برای احداث کارگاههای صنعتی در استان تهران صادر شد، موقعیت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ایجاد کرد. صدور جواز تأسیس و شناسایی واحدهای فعال سبب افزایش پروانه‌های صادر شده بدون توجه به مسائل ساختاری و بعد فضایی بوده است. صدور موافقت‌های اصولی، جواز تأسیس، کارت شناسایی برای واحدهای بدون مجوز نه تنها از طرف بخش صنعت بلکه برخی سازمانهای دیگر نظیر: جهادسازندگی، استانداری، فرمانداری، شهرداری، بخش‌داری و غیره موجب تداخل در وظایف و تقسیم کار در بخش صنعت شد که به نابسامانی و تمرکز بیش از اندازه کارگاههای صنعتی در استان تهران انجامیده است.

ادغام دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین و پیوستن شهرستان قزوین به استان تهران در مجموع حوزه فعالیت اداره کل صنایع استان تهران را گسترش داده و صدور پروانه‌های صنعتی را نیز به نحو چشمگیری افزایش داده است. علاوه بر آن سهمیه بندی مواد اولیه با یارانه نظیر مواد اولیه پتروشیمی و ذوب آهن تمایل واحدهای صنعتی بدون پروانه را جهت گرفتن پروانه صنعتی و استفاده از خدمات مربوط افزایش داده است.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۰، ۳۳ درصد واحدهای صنعتی کل کشور با ده نفر نیروی کار و بیشتر در استان تهران متمرکز بوده و ارزش افزوده بخش صنعت استان در همین سال ۴۳/۴ درصد کل صنعت کشور بوده است. آخرین آمار وزارت

صنایع گویای این واقعیت است که تا پایان سال ۱۳۷۳ از تعداد ۴۰۰۰۰ واحد تحت پوشش وزارت صنایع با ۸۵۰۰۰۰ نفر شاغل، تعداد ۱۲۵۹۳ فقره با ۲۲۱۰۱۲ نفر شاغل، تحت پوشش اداره کل صنایع استان تهران قرار دارند که در مقایسه با دیگر استانها از نظر تعداد ۳۱/۵ درصد و از نظر اشتغال ۲۶ درصد بوده است.

وضعیت موجود بخش صنعت در استان تهران

ناهماهنگی میان سازماندهی فضایی و ساختاری بویژه در بخش صنعت به علت ساختار غیر منسجم و تعداد سازمانهای اداری و اجرایی، منجر به پیدایش قطبهای ناموزون رشد و تمرکز شدید صنعت و جمعیت در برخی نقاط کشور بویژه شهر تهران شده است.

یکی از مشخصات بارز بخش صنعت استان این است که ظرفیت تولیدی آن در سطح بالایی قرار دارد و میزان پس انداز در تهران نیز چشمگیر است. امکانات و تسهیلات بانکی موجب شده است که سطح اشتغالی به طور چشمگیری افزایش یابد. یکی از دلایل مؤثر این فرایند را می توان در استقبال بیشتر سرمایه گذاران در احداث واحدهای کوچک با سرمایه گذاری اندک و سوددهی سریع (که به طور عمده مشمول کارت شناسایی یا گواهی فعالیت صنعتی می شوند) نسبت به سرمایه گذارهای هدایت شده (جواز تأسیس) دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

وضعیت صنایع استان*

از کل واحدهای موجود تحت پوشش اداره کل صنایع تا پایان سال ۱۳۷۳ حدود ۶۶ درصد را واحدهای دارای کارت شناسایی و گواهی فعالیت صنعتی تشکیل می دهد که از این رقم ۳۸ درصد دارای کارت شناسایی و ۲۸ درصد مربوط به دارندگان گواهی فعالیت صنعتی است. متوسط سرمایه گذاری واحدهای دارنده کارت شناسایی برابر با ۱۴۰ میلیون ریال با اشتغال متوسط ۱۶ نفر و متوسط سرمایه گذاری واحدهای دارنده گواهی فعالیت صنعتی برابر با ۱۳۳ میلیون ریال با اشتغال متوسط ۹ نفر است که این شاخصها در رابطه با سرمایه گذاری

* صنایع تحت پوشش اداره کل صنایع استان تهران.

صنعت و اثر آن بر ...

واحدهای دارای پروانه بهره‌برداری به مقدار ۳۴۷ میلیون ریال (یعنی ۲/۴ برابر نسبت به کارت شناسایی و ۳/۶ برابر نسبت به گواهی فعالیت صنعتی) و اشتغال ۳۳ نفر (یعنی ۲ برابر نسبت به کارت شناسایی و ۳/۶ برابر نسبت به گواهی فعالیت صنعتی) می‌باشد که این امر بیانگر کوچک بودن واحدهای دارنده کارت شناسایی است.

صنایع تبدیلی کشاورزی استان

صنایع تبدیلی کشاورزی مجموعه فعالیت‌هایی است که با فراوری محصولات کشاورزی از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره‌سازی، بسته‌بندی و توزیع، به تبدیل و نگهداری آنها می‌پردازد. ماهیت این عملیات و میزان تغییر و تبدیل مواد اولیه متفاوت و گسترده است که از ساده‌ترین عملیات مانند شستشو و درجه‌بندی تا پیچیده‌ترین فرایندهای شیمیایی را که به تغییر نسوج و بافت منجر می‌شود، در بر می‌گیرد.

ویژگی‌های صنایع تبدیلی کشاورزی

— فصلی بودن مواد اولیه: عرضه مواد اولیه این منابع فصلی و بیشتر در یک یا دو نوبت از سال صورت می‌گیرد. ولی تقاضا برای محصولات نهایی این گونه منابع به طور تقریب ثابت است و در طول سال استمرار دارد. به این دلیل برخلاف دیگر صنایع، همواره با نبود موازنه عرضه و تقاضا و مشکل مدیریت موجودی انبار، برنامه‌ریزی تولید و هماهنگی بین تولید، فراوری و عرضه به بازار روبه‌روست.

— فسادپذیری: مواد اولیه صنایع تبدیلی همواره در معرض فساد و شکنندگی قرار دارد. برای حفظ خواص فیزیکی و ترکیبات شیمیایی آنها و در نتیجه کیفیت مواد غذایی، مواد اولیه باید با دقت نگهداری شود. ضایعات این مواد از زمان برداشت تا مرحله فراوری نیز زیاد است. حمل و نقل، تخلیه و انبار مهم‌ترین عملیاتی است که اگر با سرعت و دقت انجام نشود سبب اتلاف مقادیر زیادی از مواد و تخریب فیزیکی و شیمیایی آنها می‌شود که در نتیجه علاوه بر خارج شدن مقداری از مواد اولیه از فرایند تولید، تولیدات نهایی نیز از کیفیت مطلوب برخوردار نخواهد بود

و چه بسا که از نظر بهداشتی نیز ناسالم خواهد شد.

— نوسان و تغییر در کیفیت و کمیت مواد اولیه: تغییرات آب و هوا و خسارتهای ناشی از آفات و بیماریها به مواد اولیه مقدار و کیفیت آنها را تغییر می‌دهد. استاندارد کردن مواد اولیه بیولوژیکی نیز مشکل و یا ناممکن است. این گونه تغییرات، صنایع تبدیلی کشاورزی را بشدت از سایر صنایع جدا می‌کند. زیرا وجود مشخصات کمی و کیفی برای مواد اولیه و اطمینان یافتن بیشتر سبب گسترش صنایع و افزایش تولید می‌شود.

— هزینه مواد اولیه: عمده‌ترین بخش هزینه صنایع تبدیلی، تهیه مواد اولیه آن است. به این دلیل عملیات تدارک مواد اولیه، ساختار اصلی اقتصاد واحد تولیدی را در این صنایع تعیین می‌کند. حمل و نقل مهمترین بخش این عملیات است.

— اهمیت سیاسی و اقتصادی کالاهای اساسی: غیر از انواع فراورده‌های خوراکی صنعتی که از سایر کشورها وارد می‌شود، محصولات صنایع تبدیلی در سایر استانها نیز تولید می‌گردد. این صنایع در بازار به رقابت می‌پردازند و مواد اولیه و واسطه‌ای خود را چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم از بخش کشاورزی دریافت می‌کنند. در این رقابتها قیمتها و وضعیت دسترس به مواد دچار بحران می‌شود. گاهی ممکن است مواد اولیه از استانی با بهای گزاف به استان دیگر حمل شود و صنایع خود استان را دچار کمبود مواد اولیه کند.

متأسفانه آمار دقیقی از میزان ضایعات محصولات کشاورزی استان در دست نیست ولی میزان ضایعات را ۲۰ تا ۳۰ درصد می‌توان تخمین زد. گسترش صنایع تبدیلی می‌تواند بخش در خور توجهی از ضایعات را بازیابی و یا از استمرار آن جلوگیری کند.

وضعیت تولیدات کشاورزی استان در رابطه با صنایع تبدیلی (۷)

۱. گندم: بر پایه آمار سازمان کشاورزی استان تهران و قزوین در سال ۷۳ میزان تولید گندم استان ۶۶۲۰۰۰ تن بوده است در حالی که ظرفیت رسمی تولید کارخانه‌های آرد استان غیر از آسیابهای محلی میزان ۲۰۹۵۰۰۰ تن در سال است. نکته جالب اینکه بیش از ۸۵ درصد ظرفیت تولیدی مربوط به کارخانه‌هایی است که در شهرستان تهران واقع شده‌اند. گندم مورد

صنعت و اثر آن بر ...

نیاز این کارخانه‌ها از گندم‌های وارداتی و گندم تولیدی استانهای دیگر مانند فارس، زنجبان، مرکزی و کردستان تأمین می‌شود. ظرفیت رسمی کارخانه‌های ماکارونی ۲۱۷۰۰۰ تن در سال است و بخشی از گندم تولیدی استان نیز به کارخانه‌های خوراک دام و طیور هدایت می‌شود.

۲. جو: میزان جو تولیدی استان ۳۰۰ هزار تن است که مقدار زیادی از آن به وسیله دامدارها به طور مستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و بقیه در کارخانه‌های خوراک دام و طیور فراوری و همراه با علوفه‌های دیگر به صورت غذای آماده دام تهیه می‌شود. ظرفیت کارخانه‌های خوراک دام و طیور در استان بالغ بر یک میلیون تن است. یعنی جو تولیدی استان کمتر از ۳۰ درصد نیاز کارخانه‌های فوق را برآورده می‌سازد. براساس آمار اداره کل صنایع و سازمان جهادسازندگی ۸۰ درصد تولید خوراک دام و طیور از طریق کارخانه‌های واقع در شهرستان تهران تأمین می‌شود. و بقیه به میزان ۱۲ درصد در شهرستان کرج، ۶ درصد در ورامین و ۲ درصد در سایر شهرستانها تولید می‌شود. این وضعیت بیانگر توزیع غیر اصولی کارخانه‌های خوراک دام و طیور در استان می‌باشد.

۳. حبوبات: تولید حبوبات استان در سال ۷۳ مقدار ۲۶۰۶۱ تن بوده است. ظرفیت رسمی واحدهای بسته‌بندی حبوبات در استان ۳۸۰۰ تن است. با اینکه مقدار چشمگیری از تولید لوبیا و نخودفرنگی به صورت تازه مصرف می‌شود ولی با توجه به میزان تولید، ایجاد واحدهای جدید ناممکن نیست.

۴. چغندر قند: میزان تولید چغندر قند در استان تهران سالانه ۲۳۶۰۰۰ تن است که با توجه به فعالیت دو کارخانه قند کرج و قزوین با ظرفیت کافی، مشکل خاصی وجود ندارد.

۵. گوجه فرنگی: تولید سالانه گوجه فرنگی در استان ۵۴۴۰۰۰ تن است که مقدار در خور توجهی از آن به صورت تازه مصرف می‌شود. ظرفیت رسمی کارخانه‌های تولید رب استان ۵۵۹۰۰ تن است. در صورتی که ۴۰ درصد محصول گوجه فرنگی تولیدی استان را تبدیل پذیر به رب گوجه فرنگی محاسبه کنیم و با احتساب ضریب تبدیل تولید گوجه به رب حدود ۲۹۰۰۰ تن تولید رب خواهیم داشت. به همین لحاظ بخش مهمی از مواد اولیه کارخانه‌های تولید رب از سایر استانها بویژه استان کرمانشاه همدان، فارس، مرکزی و سمنان تأمین می‌شود.

۶. سیب‌زمینی: میزان تولید سالانه سیب‌زمینی در استان ۱۷۲۰۰۰ است که با توجه به کیفیت بالای آن بیشتر به مصرف خوراک می‌رسد و نیز به سبب بالا بودن قیمت آن کمتر در صنایع مصرف می‌شود. ظرفیت رسمی تولید چپیس در استان ۲۸۰۰ تن است.

۷. پنبه: تولید سالانه وش پنبه در استان ۲۳۰۰۰ تن بوده که با توجه به فعالیت ۵ کارخانه پنبه پاک‌کنی در این زمینه مشکل خاصی وجود ندارد. همه ساله مقدار زیادی از وش تولیدی به وسیله جینهای دستی تصفیه می‌شود و کارخانه‌های موجود با ظرفیت پایین کار می‌کنند.

۸. میوه: میزان تولید سالانه میوه‌های قابل تبدیل به کنسانتره، نکتار و کمپوت حدود ۶۳۸۰۰۰ تن است که اغلب به صورت تازه مصرف می‌شود. ظرفیت رسمی تولید کارخانه‌های موجود ۲۴۳۰۰۰ تن است و چنانچه ۳۰ درصد کل تولید میوه استان در صنایع مربوط تبدیل شود، تعداد کارخانه‌های موجود پاسخگوی نیاز استان خواهد بود.

در این بررسی کوشش شده است که با توجه به محصولات مهم و عمده تولیدی کشاورزی استان، صنایع تبدیلی موجود مورد بررسی قرار گیرد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در بیشتر موارد هیچ‌گونه تناسب منطقی بین میزان تولید محصولات کشاورزی که به عنوان مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد با صنایع تبدیلی وجود ندارد. همچنین پراکندگی اکثر صنایع در شهرستانهای تابعه استان از نظمی منطقی برخوردار نیست و این صنایع و اغلب در شهرستان تهران یا اطراف آن متمرکز شده است.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرآیندی
پرتال جامع علوم انسانی

صنایع روستایی استان*

تعریف صنعت روستایی: صنایع متناسب با مناطق روستایی را که سبب توازن و تعادل فعالیتهای اقتصادی در بخشهای صنعت و کشاورزی می‌شود صنایع روستایی می‌نامند. ویژگیهای صنایع روستایی به شرح زیر است:

۱. ایجاد فراورده‌هایی با نرخ ارزش افزوده بالا.
۲. تخصیص نیروی انسانی ماهر و متخصص در ساختار صنعتی خود.

* صنایع روستایی تحت پوشش اداره کل جهادسازندگی استان تهران.

صنعت و اثر آن بر ...

۳. بهره‌برداری از منابع و امکانات محدود محلی و منطقی و منطقه‌ای با هدف صرفه‌جویی.

۴. تناسب با شرایط و امکانات جمعیتی، تولیدی و جغرافیایی مناطق روستایی.

بنابراین این گونه صنایع به طور عمده شامل صنایع سودآور، استراتژیک، تخصصی و

کوچک متناسب با امکانات مناطق روستایی به عنوان خط ارتباطی بخشهای کشاورزی و

صنعت است.

زیربخشهای صنایع در بعضی از شاخصهای عمده کارگاهی صنعتی در استان ساهای

(۷۲-۷۳)

فعالیت	تعداد	اشتغال	سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)
کل صنایع	۱۴۱	۲۴۳۶	۷۷۲۲۰
غذایی	۵۷	۱۱۲۰	۳۲۹۰۰
نساجی	۹	۲۳۰	۴۴۰۰
چوب	۴۲	۷۲۰	۲۵۰۰
کاغذ(مقوا)	۱	۱۶	۴۰
کانی غیر فلزی	۴	۴۰	۲۴۲۰
ماشین‌آلات	۲۸	۳۱۰	۱۶۶۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روند رشد مجوزهای صنعتی صادر شده از طرف جهادسازندگی استان تهران

نوع مجوز	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
موافقت اصولی	۹۵	۱۵۴	۱۳۱	۱۴۶
تعداد				
رشد در سال	۵۰٪	۶۲/۱٪	۱۴/۹٪	۱۱/۴٪
پروانه بهره‌برداری و تأسیس	۳	۴	۴	۱۹
تعداد				
رشد در سال	۱۰۰٪	۳۳/۳٪	۰	۳۷۵٪
کارت شناسایی	۲۱۴	۴۱	۵۴	۱۴۰
تعداد				
رشد در سال	۴۰٪	۸۰/۸٪	۳۱/۷٪	۱۵۹/۲٪

وضعیت منابع آب در استان تهران (۲)

استان تهران اغلب دارای آب و هوای خشک و نیمه خشک است. بارندگی در سطح استان از ۱۰۰ میلیمتر در نقاط پست تا ۱۰۰۰ میلیمتر در ارتفاعات البرز مرکزی متغیر است. توزیع بارندگی در ماههای مختلف سال به نحوی است که ماههای بهمن و اسفند دارای بیشترین میزان ریزش و ماههای تیر و مرداد خشکترین ماههای سال است. رژیمهای حرارتی منطقه بین زمستان و تابستان دارای دامنه تغییرات زیادی تا حدود ۸۳ درجه سانتیگراد است (از ۴۸ درجه سانتیگراد در کاشان تا منهای ۳۵ درجه سانتیگراد در فیروزکوه و ارتفاعات البرز).

هوای گرم مناطق کویری همراه با دمای خشک و سوزان موجب بسالارفتن تبخیر با پتانسیل سالانه تا ۳۰۰۰ میلیمتر از سطح تشت تبخیر شده که این میزان در ارتفاعات جنوب البرز به ۱۶۰۰ میلیمتر کاهش می یابد.

توزیع تبخیر سالانه بین ماههای مختلف سال به گونه ای است که در ماههای تیر و مرداد بیشترین و دی و بهمن کمترین میزان است.

تغییرات رطوبت نسبی سالانه در تابستان بین ۱۵ الی ۶۰ درصد و در زمستان بین ۵۰ الی ۸۵ درصد متغیر است.

آبهای سطحی - براساس آمار ۵۱ ایستگاه هیدرومتری موجود، میزان آبدهی سال آبی ۷۲-۷۳ معادل ۲/۹۲۵ میلیارد مترمکعب بوده است که بیشترین حجم جریان سالانه مربوط به رودخانه کرج با آبدهی متوسط ۵۰۹ میلیون متر مکعب در سال و کمترین آن نیز مربوط به رودخانه هیو و معادل ۳/۵ میلیون مترمکعب در سال است. حجم آب کنترل شده توسط سد های امیرکبیر بر روی رودخانه کرج، لتیان بر روی رودخانه جاجرود، پانزده خرداد بر روی رودخانه قرود، لار بر روی رودخانه لار (خارج از حوزه) و سنگبان بر روی رودخانه شاهرود (خارج از حوزه) معادل ۱/۱۷۱ میلیارد مترمکعب در سال آبی ۷۲-۷۳ می باشد که ۳۱ درصد آن به مصرف کشاورزی و ۶۹ درصد به مصرف شرب رسیده است.

آبهای زیرزمینی - حداکثر تعداد چاه عمیق و نیمه عمیق در دشت تهران کرج، ۶۲۲۷ حلقه عمیق و ۶۰۱۸ حلقه نیمه عمیق است. حداقل چاههای عمیق مربوط به محدوده مطالعاتی دماوند -

صنعت و اثر آن بر ...

هومند آبسرد، تعداد ۳۵ حلقه است. حداکثر آبدهی قناتها در محدوده مطالعاتی تهران - کرج ۵۳۶ لیتر در ثانیه است. بیشترین تخلیه از آبخوان در محدوده استان مربوط به محدوده مطالعاتی تهران - کرج به میزان ۲۲/۰۲۲ میلیارد متر مکعب است و حداقل تخلیه مربوط به دشت اشتهارد، که حدود ۱۸ میلیون متر مکعب محاسبه شده است.

بیشترین حجم آب مصرف شده از چاهها در سطح استان به کشاورزی اختصاص دارد و محدوده مطالعاتی تهران - کرج با مقدار ۱/۴۵۰ میلیارد متر مکعب آب مصرفی در بخش کشاورزی بالاترین مقام و پس از آن دشت ورامین با مقدار ۴۹۹ میلیون متر مکعب قرار دارد. حداقل مصرف در بخش کشاورزی از طریق چاهها مربوط به دشت آوج است. در بخش شرب و صنعت نیز بیشترین مصرف مربوط به تهران - کرج و کمترین متعلق به دشت آوج است.

بیشترین مصرف آب قنات در کشاورزی به میزان ۱۴۸/۴ میلیون متر مکعب مربوط به دشت تهران - کرج بوده و در منطقه شریف آباد هیچ گونه مصرفی از قناتها وجود ندارد. حداکثر شرب نیز از قناتها در محدوده مطالعاتی تهران - کرج و حداقل آن در محدوده‌های مطالعاتی هشتگرد، قم، شریف آباد و ورامین است که به طور کلی مصرف نمی‌شود.

کشاورزی

طبق آمار ارائه شده توسط سازمان کشاورزی استان، اراضی زراعتی ۳۵۲۶۸۲/۵ هکتار، باغها ۹۰۵۹۲/۵ هکتار و مساحت زمینهای آیش و دیم استان به ترتیب ۱۶۶۱۷۰/۵ و ۷۴۶۸۳/۵ هکتار است.

میزان آب مصرفی کشاورزی، به ازای هر هکتار به طور متوسط در منطقه قزوین حدود ۷۰۰۰ و در بقیه استان برابر ۱۰۰۰۰ متر مکعب در یک سال زراعی و با میانگین راندمان آبیاری ۳۰٪ برابر ۴/۳۴۷ میلیارد متر مکعب در سال محاسبه شده است. جمع مساحت اراضی قابل توسعه حدود ۱۴۱۷۰۰ هکتار (۵۳۷۰۰ هکتار منطقه قزوین، بقیه استان ۸۸۰۰۰) برآورد شده. که در صورت بهبود روشهای آبیاری و ارتقای راندمان تا میزان ۵۰٪ در سطح استان که

نتیجه آن صرفه جویی در مصرف آب تا حدود ۷۸۳ میلیون متر مکعب از مصارف کنونی است، در دسترس خواهد بود.

شرب شهری

میزان آب شرب تأمین شده استان تهران در سال ۱۳۷۳ به طور تقریب یک میلیارد متر مکعب بوده است. از این مقدار ۵۹۰ میلیون متر مکعب در سال از منابع آب سطحی و ۴۱۰ میلیون متر مکعب از منابع زیرزمینی تأمین شده است. در ضمن مقدار ۷۳۸ میلیون متر مکعب در سال از رقم یاد شده به تأمین آب شرب تهران اختصاص داشته است که ۵۹۸ میلیون متر مکعب آن از منابع سطحی و ۱۴۹ میلیون متر مکعب از منابع زیرزمینی بوده است.

- میزان تأمین آب شرب و بهداشت روستاهای استان تهران حدود ۸۲ میلیون متر مکعب در سال برآورد شده است.

- در صنایع روستایی حدود ۱/۲ میلیون متر مکعب در سال آب مصرف می شود.

- مصرف آب در بخش دام و طیور حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب در سال است.

صنایع

آب مصرفی بخش صنعت در کل استان تهران ۱۲۶/۸۴۷ متر مکعب در شبانه روز است که با احتساب ۳۰۰ روز کاری در سال آب مصرفی بخش صنعت بالغ بر ۳۸۰۵۴۱۰۰ متر مکعب در سال خواهد بود که بخشی از آن مورد نیاز شهرکها و مجتمعها و نواحی صنعتی است و پس از واگذاری کلیه قطعات به طرحهای صنعتی به میزان ۴۸۰۴۸۰۰۰ متر مکعب در سال خواهد بود.

چنانچه در استراتژیهای استانی در استان تهران تجدید نظر نشود مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت و دوگانگی شدید اقتصادی و رشد در استان تهران بیشتر خواهد شد. و این در حالی است که اکنون نیز وضعیت بحرانی است. چنانچه تنها مسئله آب را در نظر بگیریم، با سرانه ۸۰۰ متر مکعب در سال روبه رو هستیم که در مقابل حداقل قابل قبول ۱۷۰۰ متر مکعب در شرایط اقلیمی کشور می توان گفت هم اکنون تهران زیرخط بحران آب قرار دارد.

علل تمرکز صنایع اشتغال‌زا در استان تهران

۱. موقعیت جغرافیایی استان به عنوان مرکز راه‌های کشور و ارتباط آن با استانهای

سمنان، مازندران، زنجان و مرکزی

۲. شرایط اقلیمی مساعد

۳. مرکزیت اداری و سیاسی کشور

۴. استقرار ظرفیت عظیم تولیدی که متجاوز از ۳۰ درصد کارگاهها و شاغلان کشور را

در خود جای داده است.

۵. تمرکز سرمایه و پس‌انداز کافی

۶. وجود تأسیسات و امکانات زیربنایی مساعد

۷. گردش سریع سرمایه و امکان توزیع و مصرف کالا و در نتیجه دستیابی به سود در

خور توجه

۸. عرضه خدمات اعم از بازرگانی، خطوط ارتباطی، نیروی متخصص، آزمایشگاهها،

بهداشت و درمان، امکانات آموزش عالی، مراکز علمی و تحقیقاتی، ارتباطات مناسب بین‌المللی و

جاذبه‌های توریستی

سخن پایانی

با توجه به آنچه گفته شد، ۳۳٪ واحدهای صنعتی کل کشور با پراکنش نامناسب در استان

تهران قرار دارد. علاوه بر آن مواد اولیه مورد نیاز صنایع موجود، بیشتر از سایر استانها و نقاط

دور دست یا از طریق واردات تأمین می‌شود. در خور توجه است که بسیاری از این گونه مواد

پس از تبدیل و بسته‌بندی برای عرضه دوباره به استانهای دیگر حمل می‌شود. همچنین باید

دانست که یکی از اقلام مهم هزینه‌های جاری صنایع که در قیمت تمام شده محصول نهایی نقش

اساسی دارد، حمل و نقل مواد اولیه و کالای تولیدی است. به این سبب در مکانیابی اصولی

کارخانه هزینه‌های حمل و نقل مواد یا محصولات محاسبه می‌شود و با توجه به سایر نکات مانند

وجود ضایعات در حمل و نقل، کارخانه در مجاورت مرکز عرضه مواد اولیه یا مراکز مصرف

محصول نهایی و در برخی موارد در برآیند مناسبی از فاصله این دو استقرار می‌یابد. متأسفانه توسعه صنعت در استان براساس مطالعات منطقه‌ای و بررسیهای آمایش سرزمین انجام نشده است و به همین سبب و به دلیل جاذبه‌هایی که پیش از این گفته شد، تمرکز شدید صنعت در شهر تهران و شهرهای اطراف آن مشاهده می‌شود. نتیجه روند کنونی توسعه صنعتی در استان تهران، آلودگی شدید محیط زیست، مهاجرت‌های بی‌رویه و پیامدهای آن، گسترش حاشیه‌نشینی و تبدیل سریع روستاهای اطراف به شهرکها و شهرها و بروز مشکلات و معضلات اجتماعی - فرهنگی و تبدیل و تخریب اراضی و باغهاست.

این تخریب می‌تواند تا جایی ادامه یابد که تهران بزرگ تبدیل به مرکز تولید زباله شده و فقط کارخانه بازیافت زباله در آن کارآمد باشد.

به سبب توسعه و گسترش شهر تهران، شهرها و شهرکهای اطراف آن، سالانه بخش در خور توجهی از منابع آب کشاورزی به بخش شرب و مصارف شهری و صنعتی اختصاص داده می‌شود. هر روز مشکلات جدیدی در خصوص آب مورد نیاز شرب و بقیه بخشهای اقتصادی پیش می‌آید. هم‌اکنون در تهران، با وجود سرانه ۸۰۰ متر مکعب آب شرب در سال در مقابل حداقل قابل قبول ۱۷۰۰ متر مکعب در شرایط اقلیمی کشور، این منطقه زیر خط بحران آب قرار دارد و این در حالی است که در سال ۱۳۷۵ با سپری شدن فصل کشت غلات با آن که به طور تقریب تمام کشاورزان از سدهای موجود، «حقابه» دارند به دلیل کمی نزولات موفق به آبیاری کشتهای خود نشدند. آب سدها برای شرب مصرف می‌شود و کشاورزان باز هم باید منتظر نزولات آسمانی بیشتر باشند. در خور توجه است که انتظار داریم، بخش کشاورزی با صرفه جویی در آب مصرفی کشاورزی، حدود ۱۴۲ هزار هکتار مساحت اراضی زیر کشت را در استان توسعه دهد.

اگر افزایش جمعیت با همین روند ادامه یابد چه خواهد شد؟

ایجاد کارخانه حتی در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران، جمعیتی را که ماورای این حد فاصل زندگی می‌کنند جذب کرده و پس از چندی به جستجوی رفاه بیشتر در تهران سکونت خواهد داد.

صنعت و اثر آن بر ...

جمعیت فعال ساکن تهران به دلیل جاذبه اشتغال در بخش خدمات و یا نوعی اشتغال و درآمدهای کاذب که به اشتباه جزو خدمات است به تهران رو می آورند، و به یقین این نیروها مایل به کار در فاصله ۱۲۰ کیلومتری نخواهند بود، مگر متخصصان، که صنایع کوچک جذب کننده آنها نخواهد بود. این جمعیت که در آینده آب گندمزارهای استان را خواهند نوشید از کجا می آیند؟ از گندمزارهای دیگر که در وطنشان رها می شود و در منزلگاه خود غریب می مانند.

بر سر گندمزارها چه خواهد آمد؟ خاک میهن چگونه نفس خواهد کشید؟

کارخانه ها و کارگاههای کوچک به دلیل سوددهی سریع و زیاد، بدون هیچ کنترلی مانند قارچ در تهران رشد کردند و در نتیجه کارت شناسایی برای آنها صادر شد. هنوز بسیاری دیگر نیز وجود دارند که به صورت کارگاههای زیرزمینی به تولید انواع مواد غذایی، بهداشتی، خانگی و ... مشغولند. از هیچ قانونی پیروی نمی کنند و برای سود بیشتر دست به هر روش بیقاعده ای می زنند. درآمد این گونه تولید کنندگان به سبب نبود کنترل و آزادی انتخاب هر گونه مواد و فرایند تولید، بسیار زیاد است که گاهی سبب بالا رفتن قیمت مواد اولیه می شود و کارخانه های مجاز را با کمبود مواد مورد نیاز روبه رو می کند. و می بینیم که تولیدات غیر بهداشتی در بازار فراوانتر و ارزانتر است. انبوه مردم به دلیل نیاز، بدون اطلاع از ماهیت تولیدات، آنها را خریداری می کنند. و فقط هنگامی ماهیت آنها پدیدار می شود که ضایعه جبران ناپذیری وارد آمده باشد.

سلامت این جمعیت انبوه چه می شود؟

بخش عظیمی از صنایع کوچک و زود بازده که متقاضیان زیادی دارد صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی است. استقرار این گونه صنایع بویژه صنایع غذایی در محل تولید مواد اولیه آنها که قطبهای تولید کشاورزی برای هر محصول است، موجب کاهش هزینه های حمل و نقل، انبارداری، ضایعات و در نهایت کاهش بهای تمام شده کالا خواهد شد. توزیع منطقی صنایع در کشور در ایجاد اشتغال در مناطق مختلف نقش بسیار مؤثری خواهد داشت که خود سبب کاهش

مهاجرت و همچنین تمرکز زدایی خواهد بود. کار صنایع تبدیلی کشاورزی اغلب فصلی است و همزمان با برداشت محصول و پایان کار کشاورز شروع می‌شود. از این خصوصیت می‌توان برای به کارگیری کشاورزان در فصل بیکاری و افزایش درآمد آنها استفاده کرد. کارخانه‌ها در کنار روستاها چهره محل را تغییر خواهد داد و جوانان روستایی را برای ماندن در زداگاهشان و عشق ورزیدن به خاک و آب ترغیب خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. سیری در سیمای آمایش صنعت و معدن استان تهران، اداره کل صنایع استان تهران، آذرماه ۱۳۷۴.
۲. سیمای کلی وضعیت منابع آب استان تهران، اداره کل امور آب استان تهران، سازمان آب منطقه‌ای تهران، وزارت نیرو، اسفندماه ۱۳۷۴.
۳. آینده‌نگری و آمایش توسعه بخش صنعت و معدن استان تهران، اداره کل صنایع استان تهران، وزارت صنایع، شهریورماه ۱۳۷۵.
۴. مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مورخ ۱۱/۱۰/۷۴.
۵. مطالعات طرح جامع احیا و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی حوزه آبریز مرکزی و همدان، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۶. سرشماری عمومی جمعیت سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.
۷. گزارش سازمان کشاورزی استان تهران درباره آمار تولیدات و صنایع تبدیلی استان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی